

مبانی الگوی مشروعیت عادلانه در اندیشه شهید عبدالعلی مزاری

دکتر امان‌الله شفایی

چکیده

مشروعیت در افغانستان را بر آن استوار نمود. این مبانی چهار تاست: کرامت انسانی؛ برابری و برادری؛ مدارا و تحمل و اصل تناسب. واژگان کلیدی: عبدالعلی مزاری، مشروعیت، مشروعیت عادلانه، افغانستان.

مقدمه

عبدالعلی مزاری دبیرکل پیشین حزب وحدت تا پیش از تشکیل حزب وحدت اسلامی به سال ۱۳۶۸ شمسی به مانند دیگر رهبران جهادی شیعه فرصتی برای ارائه راه‌حل پایان بحران سیاسی در افغانستان نداشت. با سرنگونی رژیم مارکسیستی در سال ۱۹۹۲، پس از آن که احزاب جهادی توفیقی در دولت‌سازی نیافتند و به آتش جنگ‌های داخلی دامن زدند، عبدالعلی مزاری در اوج جنگ‌های سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ میان مجاهدین، راه‌حل‌هایی برای پایان جنگ و تأسیس دولتی مشروع ارائه

بی‌گمان در میان بحران‌های متراکمی که افغانستان در طول تاریخ خود با آن‌ها درگیر بوده است، بحران مشروعیت مهمترین آن است. این بحران هم‌اکنون نیز ادامه دارد و الگوی دموکراسی لیبرال هم نتوانسته است، ثبات سیاسی و رژیمی کارآمد ایجاد کند. در سال‌های نخستین دهه ۱۹۹۰ و در اوج جنگ‌های داخلی میان گروه‌های جهادی، استاد عبدالعلی مزاری ایده‌هایی برای حل و فصل بحران و مشروعیت‌سازی داشت که صرفاً شمه‌هایی از آن را بیرون داد. نگارنده براین باور است نام مشروعیتی را که مزاری در تعقیب آن بود، می‌توان «مشروعیت عادلانه» نهاد. نوشتار حاضر در پی آن است تا مبانی این الگورا از میان عناصر فراوانی که در اندیشه شهید مزاری وجود دارد، استخراج نماید. مبانی مشروعیت عادلانه در حقیقت سنگ‌بنای اندیشه شهید مزاری در باب مشروعیت است که می‌توان ساختمان

امیر عبدالرحمان خان را تجربه نکنند. دبیرکل پیشین حزب وحدت معتقد بود که در فرهنگ و جامعه‌ای که انسان بماهوانسان ارزش ندارد، سخن گفتن از عدالت و رعایت حقوق انسان ناموجه و فاقد معنی است. وقتی می‌توان از ضرورت فرصت‌های برابر، مساوات در مقابل قانون، حق تعیین سرنوشت سیاسی، حق برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه و فارغ از درد، حق آزادی بیان و عقیده و امثال آن سخن گفت که قبل از هر چیز برای انسانیت فارغ از تعلقات نژادی، قومی، مذهبی، و جنسیتی حرمت و ارزش قائل بود. اگر پذیرفتیم که همه انسان‌ها دارای کرامت و شایسته حرمت‌گذاری هستند، نتیجه ضروری آن این خواهد بود که همگان حق دارند از حقوق و فرصت‌های برابر برای رشد و خودشکوفایی برخوردار شوند.^۱

۲- برابری و برادری

الگوی مشروعیت عادلانه ناظر به دو اصل «برابری» و «برادری» است. جنگ داخلی سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ رنگ قومی و مذهبی داشت و گروه‌های مختلف آشکارا در ذیل خط‌مشی برتری جویی قومی و نژادی، به دنبال حذف دیگران بودند. مزاری در آن سال‌های دشوار گفته بود: «تمام هنجارها و درگیری‌ها بر سر همین مسأله امتیازطلبی و حذف همدیگر است. این امتیازطلبی یک‌دفعه در چهره مذهب است، یک دفعه در چهره نژاد است. اما ما معتقدیم که آنچه در افغانستان جریان دارد به‌خاطر مسأله نژاد است».^۲ مزاری در نظر داشت به جوانب دیگر غائله تفهیم کند که در افغانستان تمامی نژادها با هم برابرند و هیچ قومی بر قوم دیگر برتر نیست. در این رابطه او باری سند قرآنی ارائه نمود و در تفسیر آیه «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (حجرات/۱۳) گفت:

در آیه خداوند خطاب می‌کند به «ناس» یعنی «مردم». «یا ایها الناس» یعنی «ای مردم». در اینجا نمی‌گوید که این مردم مؤمن است یا غیر مؤمن. نمی‌گوید که مردم پیرو مسیح است یا پیرو اسلام

داد که قائمه آن بر قاعده عنصر عدالت قرار داشت. مزاری در اوج خشونت‌ورزی‌های آن سال‌ها از عدالت سخن می‌گفت و با هر طرح صلحی که با اصل عدالت راست می‌آمد همدلی نشان می‌داد. هرچند شهادت مزاری فرصتی باقی نگذاشت تا تمامی عناصر اندیشه و ایده مزاری برای تعیین شاکله نهایی الگوی مشروعیت عادلانه بیرون داده شود، اما از مجموع سخنان و خطابه‌های وی در آن سال‌ها می‌توان از گفتمانی سخن گفت که دال مرکزی آن عدالت بود. الگوی مشروعیت عادلانه مزاری ابعاد و زوایای بسیاری دارد. این نوشتار صرفاً بر مبانی این الگو انگشت خواهد گذاشت و خواهد کوشید با روش تحلیلی مهمترین آن را قدری توضیح دهد. بنابراین، هر آنچه در ادامه خواهد آمد تمام عناصر و مؤلفه‌های اندیشه شهید مزاری در حوزه مشروعیت نیست، بلکه صرفاً تعیین مبانی الگوی مشروعیت عادلانه است. این مبانی عبارتند از:

۱- کرامت انسانی

الگوی مشروعیت عادلانه مزاری از «انسان» آغاز می‌شود. در اندیشه مزاری محرومیت تاریخی هزاره‌ها و اعمال تبعیض سیستماتیک علیه آنان، بیش از آن که به زندگی آن‌ها آسیب زده باشد، کرامت انسانی آنها را هدف قرار داده بود. او در واپسین سال‌های حیات خود بارها به گذشته ذلت‌بار هزاره‌ها اشاره می‌نمود و شرایط غیرانسانی که از سوی حکومت‌ها بر آنان می‌رفت را پیش چشم آنان می‌گذاشت. او می‌خواست که این شرایط تغییر کند و هزاره‌ها از سوی دیگر اقوام به عنوان «مزدور»، «حمال» و «جوالی‌گر» شناخته نشوند. در منطق مزاری نظام اجتماعی افغانستان حداقل در فرازهایی از تاریخ این کشور چیزی شبیه نظام کاست در هندوستان بود که در آن «نجس‌ها» از منزلت انسانی و بسیاری از حقوق شهروندی محرومند. مزاری نگران بود که اقلیت‌ها بویژه هزاره‌ها بار دیگر شرایط بردگی دوره حکومت

۱. عبدالعلی مزاری، احیای هویت، ص ۸۴-۸۴.

۲. همان، ص ۱۶۷.

یا پیرو موسی. یا اصلا پیروی از ادیان را قبول ندارد. قرآن صدا می‌زند «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم». یعنی اگر مسیحی هستید، اگر یهودی هستید، همه‌تان را از یک زن و مرد خلق کردیم، لهذا در خلقت‌تان هیچ تبعیضی نیست... اسلام می‌آید این را که قیافه‌ها فرق دارد و نژادها فرق دارد، صحه می‌گذارد و می‌گوید که ما شما را قبيله قبيله خلق کردیم. اما چرا قبيله، قبيله خلق کردی؟، «لتعارفوا» تا یکدیگر را بشناسید.^۳

اصل برابری در منطق مزاری در قامت اصل برادری که اصل اسلامی است خود را نشان می‌دهد. لذا او حتی مخالفانش را «برادر» خطاب می‌نمود. او بارها گفته بود: «در افغانستان دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت‌ها مطرح است. حقوق ملیت‌ها یعنی برادری ملیت‌ها. دو برادر که در یک خانه زندگی می‌کنند، چگونه برای‌شان حق قایلند که در این خانه من هم حق دارم آن هم حق دارد. این برادری است نه دشمنی».^۴ «ما با برادری با همه ملیت‌ها می‌خواهیم زندگی کنیم؛ چه افغان باشد، تاجیک باشد، ازبک باشد، همه برادرند».^۵

۳- مدارا و تحمل

عدالت نسبت ظریفی با مدارا و تحمل دارد. هر چند عدالت مطابق تعریف مشهور «وضع الشی فی موضعه»، بر اصل دقت و رعایت حق استوار است، اما با سیاست‌های جامد و عاری از مدارا نیز نمی‌توان نظام عادلانه پایداری تأسیس کرد. عبدالعلی مزاری هر چند که در سال‌های مقاومت غرب کابل از سوی مخالفانش به جنگ‌افروزی و کنار نیامدن متهم بود، اما او خود بارها تأکید می‌کرد که برای وی مذاکره بر جنگ اولویت دارد. او هر چند گفته بود که از حقوق اساسی هزاره‌ها نخواهد گذشت، اما نشان داد که اهل مدارا و تحمل نیز هست. مزاری

۳. همان، ص ۱۶۴.

۴. همان، ص ۸۷.

۵. عبدالعلی مزاری، چراغ راه، ص ۱۵۶.

تأکید می‌نمود که هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده و حتی زمانی که مورد حمله قرار گرفته است، هرگز کمر به نابودی و حذف جانب مقابل نبسته است. کما این که در جریان سخنرانی نخستین روزهای پیروزی مجاهدین علیه رژیم نجیب‌الله گفته بود: «ما از راه مذاکره سیاسی با گروه‌ها می‌نشینیم حقوق ملت خود را خواهیم و انحصارطلبی را نمی‌کنیم. هر کس که باشد ولی از این که اینجا افغانستان است طرف مخالفت سیاسی را هیچ‌گونه تحمل نمی‌کند».^۶

در حوزه سیاست عملی نیز مزاری سخت‌گیر نبود. در حالی که در آن زمانه حزب اسلامی و جمعیت اسلامی هر یک به نوبه خود جنگ‌های شدیدی علیه ژنرال دوستم به اتهام وابستگی او به رژیم پیشین به راه انداختند، مزاری نه تنها با دوستم بلکه با کسانی که پیشتر با او از در عناد بیرون آمده بودند نیز مدارا نمود. مشهور است که در نخستین روزهای تصرف کابل، حزب اسلامی در ائتلاف با اتحاد اسلامی سیاف به غرب کابل حمله کردند. اما از منظر مزاری عدالت بدون تسامح و مدارا تحصیل نمی‌شد. در چارچوب همین اصل او موفق شد با انعقاد ائتلاف با حکمتیار و تشکیل «شورای هماهنگی» دشمنی را به دوستی تبدیل کند.

۴- اصل تناسب

در چارچوب الگوی مشروعیت عادلانه که عبدالعلی مزاری شمه‌هایی از آن را نشان داد، اصل تناسب وجودی به وضوح به عنوان مبنای عدالت‌ورزی معرفی می‌شود. افغانستان کشور چندقومی است که هیچ قومیتی از اکثریت مطلق برخوردار نیست. با این وجود تاریخ سیاسی این کشور همواره توسط پشتون‌ها رقم خورده و حاکمان قبایل پشتون از نردبان قدرت بالا و پایین رفته‌اند. از

۶. سخنرانی در کابل؛ ۱۳۷۱/۱۰/۱۶.

برای مزاری مهمترین مسأله، بحرانی بود که پس از سرنگونی رژیم مارکسیستی گروه‌های مجاهدین با آن درگیر بودند. در این دوره اغلب رهبران اسلام‌گرا برای حفظ قدرت و یا تصاحب آن تلاش می‌کردند. در این سال‌ها هرچند طرح‌هایی برای آتش‌بس و صلح میان گروه‌های جهادی از سوی برخی از جریان‌ها و افراد ذی‌نفوذ پیشنهاد شد، اما هیچ‌یک از این طرح‌ها بر عنصر عدالت استوار نبود. عبدالعلی مزاری در دوره‌ای که دبیرکلی حزب وحدت را برعهده داشت با هیچ‌یک از این طرح‌ها از در مخالفت درنیامد، اما هیچ‌کدام را نیز به عنوان راه‌حل واقعی پایان بحران نپذیرفت. مزاری در دیدار با جریان‌های میانجی و جوانب مختلف جنگ، تلاش می‌کرد طرح‌های پیشنهادی دیگران را با موضوع عدالت ممزوج کند. بدون تردید این تلاش مبتنی بر بسترها و زمینه‌های تاریخی بود که در آن اقلیت شیعه در افغانستان به صورت مطلق در محرومیت به سر برده و قربانی بی‌عدالتی رژیم‌های انحصارطلب شده بودند. هرچند در لابلای منظومه فکری مزاری پیرامون مسأله مشروعیت می‌توان گداهای بسیاری در خصوص مشروعیت به دست آورد، اما بدون تردید در میان مبانی مشروعیت، آنچه در نوشتار حاضر بدان پرداخته شد مهمترین آنهاست.

منابع:

- مزاری، عبدالعلی، احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید، قم، سراج (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان)، ج اول، ۱۳۷۴.
- مزاری، عبدالعلی، چراغ راه (برگزیده‌ای از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های استاد مزاری)، به کوشش رضا ضیایی، بی‌جا، بنیاد رهبر شهید باب‌به مزاری (نمایندگی اروپا)، ۱۳۸۸.
- غفاری لعلی، عبدالله، فریاد عدالت، کابل، بنیاد اندیشه، ۱۳۹۶.

دید مزاری این سنت در افغانستان به صورت ظالمانه شکل گرفته و باید تغییر کند. وی در دوره موسوم به «مقاومت غرب کابل» مبنای تناسب جمعیتی را بارها راهی برای برون‌رفت از بحران پیشنهاد کرد و خواستار آن بود که حکومت اسلامی در افغانستان بر مبنای نسبت نفوس اقوام و طوایف شکل بگیرد تا عدالت به صورت نسبی تأمین شود. بنابراین، مزاری به نحوی خواستار عدالت توزیعی بود.

او در چانه‌زنی‌ها با جوانب مقابل در رابطه با توزیع پست‌های حکومتی، به صورت تقریبی بر مبنای بیست درصد نفوس شیعیان عمل می‌نمود و خواستار آن بود تا طبق همین فرمول قدرت با توجه به درصد نفوس اقوام تسهیم گردد. او باری گفته بود: «ما حقوق همه مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه جهادی می‌خواهیم. هر ملیتی به تناسب واقعیت وجود و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهم باشد. ما می‌خواهیم همه ملیت‌ها همان‌گونه که در جهاد سهم داشتند، در آینده این مملکت سهم داشته باشند».^۷ هرچند در نظام سهمیه‌بندی، اصل شایسته‌سالاری تا اندازه‌ای در محاق قرار می‌گیرد، اما در کشور چندفرهنگی افغانستان که قومیت و نژاد اهمیت دارد و محور تعاملات شناخته می‌شود، تسهیم قدرت می‌تواند طرح مناسبی در جهت تخفیف بحران‌ها و تأمین عدالت واقع گردد.

نتیجه‌گیری

چارچوب الگوی مشروعیت عادلانه‌ای که شهید مزاری مبتکر آن بود، بر ابعاد و عناصر بسیاری استوار است. مطالعه نظام‌مند اندیشه شهید عبدالعلی مزاری چندان ساده نیست. چه آن‌که غالب آثار منسوب به مزاری مبتنی بر ادبیات شفاهی دوره حضور ایشان در غرب کابل است. در این مدت کوتاه

۷. عبدالله غفاری لعلی، فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های استاد مزاری)، ص ۲۵.